



«معاد»

معاد روحانی و جسمانی

قسمت هجدهم

آیه الله حسین نوری

پس از اینکه با دلائل عقلی و نقلی - بشرحی که ذکر گردید «اصل معاد» به ثبوت رسید و برای ما روشن شد که انسانها پس از تحقق مرگ و انتقال به «جهان برزخ» و گذراندن مراحل آن، در روز قیامت برای حضور در صحنه ای که «عرصه محشر» نامیده میشود برانگیخته و محشور میشوند و برای انجام مراحل آن صحنه بزرگ و محاسبه اعمال خود آماده می گردند تا سرانجام به نتایج اعمال یعنی برداشت محصولی که در مزرعه دنیا آنرا کاشته اند، برسند و به سرای جاوید بهشت یا جهنم انتقال یابند، اکنون این بحث منتهی پیش می آید که آیا معاد انسانها در روز قیامت فقط روحانی است یا فقط جسمانی است یا اینکه هم جسمانی و هم روحانی است. توضیح مختصر این نظریات و گفتارها این است که:

صاحبان نظریه اول می گویند: بدن انسان که پس از مرگ می پوسد و متلاشی میشود در روز قیامت محشور نمی شود و تنها روح که قوام شخصیت انسان بآن بستگی دارد در صحنه قیامت حضور می یابد و سرانجام به بهشت یا جهنم منتقل می گردد. بنابراین عذاب و ثواب و لذات و آلام آنجهان و بهشت و جهنم فقط برای روح است.

صاحبان نظریه دوم چون به استقلال و تجرد روح قائل نیستند و روح را دارای حیات مستقل نمی دانند لذا می گویند: خداوند جسم انسان را پس از مرگ، در روز قیامت زنده می کند و بآن حیات می بخشد تا به تناسب اعمال خود به بهشت یا جهنم منتقل شود (باید توجه داشت که این نوع تفکر و عقیده با آنچه که قبلاً بحث شد و تجرد و استقلال روح و همچنین جریان عالم برزخ را با دلائل قاطع به اثبات رسانید مخالف است).

صاحبان نظریه سوم می گویند: معاد هم جسمانی و هم روحانی و بعبارت روشتر «انسانی» است به این معنا چنانکه «انسان» در دنیا دارای روح و بدن است در آن صحنه نیز با همین روح و بدن حاضر می گردد و پس از گذراندن مراحل قیامت به بهشت یا جهنم انتقال می یابد.

باید دانست عقیده نوع مسلمانان چنانکه محدث بزرگوار شیخ صدوق در رساله اعتقادیه خود و علامه مجلسی نیز در رساله خود نوشته و همچنین اعتقاد محققین از متکلمین و همه حکمای الهی چنانکه محقق لاهیجی در کتاب ارزنده خود «گوهر مراد» بآن تصریح کرده است^۱ و همچنین در کتاب کفایة الموحدین^۲ نیز ذکر شده است همان نظریه سوم است و اینکه معاد روز

قیامت هم روحانی و هم جسمانی است. محدث عالی مقام شیخ صدوق در رساله اعتقادات می گوید:

«اعتقاد ما درباره ارواح این است که آنها هنگامی که از بدن (با فرارسیدن مرگ) مفارقت می کنند. باقی می مانند و گروهی از آنها در پرتو نعمت های الهی و طایفه ای از آنان در سایه عذاب بر می برند تا اینکه خداوند بر اساس قدرت خود آنها را در روز قیامت دوباره بهمان بدنهایی که در دنیا داشته اند بر می گرداند»^۲.

علامه مجلسی نیز در رساله ای که در اعتقادات نگاشته است می گوید:

«لازم است معتقد بود که خداوند انسانها را در روز قیامت محشور می کند و ارواح آنها را به اجساد اصلیه آنان بر می گرداند و انکار این موضوع یا تأویل ظواهری که در شریعت اسلامی در رابطه با این موضوع وارد گردیده است موجب کفر و إلحاد است»^۳.

مفسر بزرگ قرآن کریم استاد بزرگوار علامه طباطبائی می گوید:

«کلیه آیات قرآنی که درباره قیامت و بازگشت انسان به صحنه آخرت و سؤال و جواب و حساب و کیفر و پاداش اعمال او دلالت دارد بطور روشن این حقیقت را میرساند که انسان مبعوث در روز قیامت عیناً همان انسانی است که در دنیا میزیسته است»^۴.

در این مورد برای روشن شدن مطلب. همانطور که استاد بزرگوار رضوان الله علیه نیز فرمودند. بر ما لازم است که به قرآن مجید و احادیث معتبر پیشوایان معصوم اسلامی مراجعه کنیم و حقیقت امر را از این دو منبع بزرگ دینی بدست بیاوریم زیرا هر چند

اصل معاد را دلائل عقلی نیز. چنانکه قبلاً بحث شد. به اثبات میرساند ولی خصوصیات معاد را نه تنها مرحله به مرحله بلکه گام به گام. از آنجا که این راه را ما هنوز نپیموده ایم و آنچه که در پیش داریم و برای ما پیش خواهد آمد واقف و مطلع نیستیم. باید از قرآن کریم و احادیث معتبر اسلامی بدست بیاوریم و گرنه دچار اشتباهات نابخشودنی خواهیم شد.

منشأ اشتباه افرادی که با نظریه سوم هماهنگ نیستند نیز چیزی جز این نیست.

چندین چراغ دارد و بپراخه می رود بگذار تا بپند و بسند سزای خویش

توضیح مطلب:

مراجعه به قرآن کریم در رابطه با آیات «معاد» این مطلب را بر ما روشن میکند که حشر انسانها در روز قیامت «حشر انسانی» است یعنی همانطور که در دنیا انسانها با بدن و روح خود انسان می باشند و دارای لذات و آلام روحی و جسمی می باشند در روز قیامت نیز افراد محشور، «انسان» هستند و با روح و بدن خود محشور گردیده اند و دارای چهره های مختلف و وضع جسمانی متفاوت. که با اعمال دنیوی آنها ارتباط دارد. می باشند و اهل بهشت نیز به لذات روحی و جسمی و اهل جهنم به آلام روحی و جسمی نائل می گردند.

و بطور خلاصه آیاتی که در این رابطه مورد استفاده و استناد ما قرار می گیرد چند دسته است:

الف آیاتی که وضع سیما و چهره های آنها را در حال حشر بازگومی کند:

از قبیل:

۱- «يَوْمَ تَشِيهُنَّ وُجُوهُهُنَّ وَتَسْوَدُّ وُجُوهُهُنَّ

فَأَمَّا الَّذِينَ اسْوَدَّتْ وُجُوهُهُنَّ أَكْفَرْتُمْ بَعْدَ إيمانِكُمْ فَعَذَّبْنَا بِمَا كُنْتُمْ تَكْفُرُونَ وَأَمَّا الَّذِينَ أَبْيَضتْ وُجُوهُهُنَّ فَبِإِذْنِ اللَّهِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ»^۵.

روزی که چهره هائی سفید و درخشان و چهره هائی سیاه خواهد بود و به سیه رویان گفته میشود که چرا پس از ایمان بخداوند که مقتضای فطرت شما بود به وادی کفر برگشتید؟

پس اکنون عذاب را به کیفر کفر و عصبان خود بچشید و اما سفید رویان در رحمت خداوند جاوید خواهند بود.

۲- «وُجُوهُهُنَّ يَبْتَغِيْنَ مُنْفِرَةٌ مِّنْهَا كَمَا يَكْفُرُ بِهَا الْكَافِرُونَ يَوْمَ لَا يُغْنِي عَنْهُمْ كُفْرُهُمْ وَلَوْ كَانُوا أَوْسَبَ الْآسَابِ»^۶.

آرروز چهره طایفه ای فرزندان، خندان و شادمان است و بر چهره گروهی گرد و غبار غم و اندوه فرو نشسته و ذلت و خواری آنرا فرا گرفته است.

۳- «وَنَحْشُرُهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَلَىٰ وُجُوهِهِمْ عَذَابًا نُكْرًا وَضَعْنَا قُلُوبَهُمْ حَيْثُ يَدْنَٰهُمْ سَعِيرًا»^۷.

گمراهان را در روز قیامت در وضعی که به روی خود در افتاده اند و کور و گنگ و کر می باشند محشور می کنیم و جایگاه آنان جهنم است که هر وقت آتش آن خاموش شود باز با شدت بیشتر آنرا فرزندان خواهیم ساخت.

۴- «وَالَّذِينَ كَفَرُوا الشَّيْبَابُ جَزَاءُ سَيِّئَةٍ بَعِيْنَهَا وَتَزَهَّجَتْهُمْ إِلَيْهِ مَا لَهُمْ مِنَ اللَّهِ مِنْ عَاصِمٍ كَأَنَّمَا أُغْشِيَتْ وُجُوهُهُمُ قَطْعًا مِنَ اللَّيْلِ فَظَلِمُوا أُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ»^۸.

کسانی که مرتکب اعمال بد شدند باندازه اعمال خود مجازات میشوند و ذلت و خواری آنان را فرا خواهد گرفت و نگهبان و



یاوری که آنها را از عذاب خداوند حفظ کند پیدا نمی کنند و چهره آنها باندازه ای ناریک و سیاه است که گویی قطعه ای از شب ظلمانی است و آنان اهل آتش و همیشه در آن معذب خواهند بود.

ب- آیاتی که از وضع جسمی و چهره های مخصوص آنها که در رابطه با نعمت ها و رفاهها و یا با عذاب الهی که در بهشت یا جهنم بوجود خواهد آمد. سخن می گوید:

از قبیل:

۱- «وَالَّذِينَ يَكْتُمُونَ الذَّهَبَ وَالْفِضَّةَ وَلَا يَنْفِقُونَهَا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ يَوْمَ يُخْمَىٰ عَلَىٰ عُنُقِهِمْ فِي نَارِ جَهَنَّمَ فَيُكْوَىٰ بِهَا جِبَاهُهُمْ وَجُنُوبُهُمْ وَأُخْرُؤُهُمْ هَذَا مَا كُنْتُمْ لَا تَفْقَهُمْ فَذُوقُوا مَا كُنْتُمْ تَكْتُمُونَ»^{۱۰}

کسانی که طلا و نقره (پولهای خود) را گنجینه و ذخیره میکنند و را کد نگاه می دارند و در راه خدا (در جریانهائی که بنفع جامعه است) بکار نمی اندازند آنها را بعذاب دردناک بشارت بده روزیکه آن طلا و نقره در آتش دوزخ گداخته شود و پیشانی و پشت و پهلوئی آنها را با آن داغ کنند و بآنها گفته می شود. «این است نتیجه آنچه که ذخیره کردید هم اکنون آنچه را که ذخیره نمودید بچشید».

۲- «إِنَّ الْمُجْرِمِينَ فِي ضَلَالٍ وَسُعُرٍ يَوْمَ يُسَخَّرُونَ فِي النَّارِ عَلَىٰ وُجُوهِهِمْ ذُوقُوا مَسَّ سَقَرَ»^{۱۱}

گناهکاران در گمراهی و آتش دوزخ بر می برند و روزی آنها را به رودر آتش جهنم می کشند و بآنها گفته میشود «اینک آلم جهنم را بچشید».

۳- «فَمَنْ تَلَّاتِ مَوَازِئَهُ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ وَمَنْ حَفَّتْ قَوَازِئُهُ فَأُولَٰئِكَ

الَّذِينَ خَسِرُوا أَنفُسَهُمْ فِي جَهَنَّمَ خَالِدُونَ تَلْقَهُمْ وُجُوهُهُمْ النَّارُ وَهُمْ فِيهَا كَالِحُونَ»^{۱۲}

کسانی که میزان اعمالشان سنگین تر است رستگارانند و کسانی که اعمالشان سبک وزن است افرادی هستند که نفس خویش را در زیان افکننده در آتش جهنم مخلد خواهند بود و آتش دوزخ صورتهای آنها را می سوزاند و با قیافه های درهم کشیده و زشت خواهند بود.

۴- «إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِنَا سَوْفَ نُضِلُّهُمْ نَارًا كَلَّمًا تَصِجَتْ جُلُودُهُمْ بِدَلْنَاهُمْ جُلُودًا غَيْرَهَا لِيَذُوقُوا الْعَذَابَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَزِيزًا حَكِيمًا»^{۱۳}

آنان را که به آیات ما کفر ورزیدند بزودی در آتش دوزخ میافکنیم و هرچه پوست بدن آنها بسوزد، بجای آن پوست دیگری در بدن آنها بوجود می آوریم تا سختی عذاب را بچشد که خداوند مقتدر و کارش از روی حکمت است.

۵- «لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا الْخَيْرُ وَمَا يَزِيدُهُمْ إِلَّا بِرَحْمَةٍ مِنْ رَبِّهِمْ يُؤْتُونَ أَجْرًا كَثِيرًا وَلَا يُكْرَهُ عَلَىٰ الظَّالِمِينَ لَعْنَةُ اللَّهِ وَالْعَذَابُ أَلِيمٌ إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِنَا سَوْفَ نُضِلُّهُمْ نَارًا كَلَّمًا تَصِجَتْ جُلُودُهُمْ بِدَلْنَاهُمْ جُلُودًا غَيْرَهَا لِيَذُوقُوا الْعَذَابَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَزِيزًا حَكِيمًا»^{۱۴}

کسانی که نیکی و احسان کردند به منزلت و مقام نیکو و افزایش لطف الهی نائل می شوند و هرگز بر رخسارشان غبار غم و گرفتگی و ذلت فرود نخواهد نشست و آنان اهل بهشت هستند و برای همیشه در آنجا متمتع خواهند بود.

۶- «إِنَّ الْأَبْرَارَ لَفِي نَعِيمٍ عَلَىٰ الْأَرْوَاقِ يُنظَرُونَ تَقَرُّوفٍ فِي وُجُوهِهِمْ نَضْرَةَ النُّعْمِ»^{۱۵}

نیکوکاران در بهشت جاوید، مشتم می باشند و در آنجا بر تختهای عزت تکیه می زنند و نعمت های خدا را می نگرند و در چهره های آنها نشاط و طراوت شادمانی نعمت های بهشتی موج می زند.

ج- آیاتی لباسهای فاخری که بر اندام بهشتیان پوشانده می شود یا لباسهای آتشینی که بر تن جهنمیان پوشانده میشود را بیان می کنند:

از قبیل:

۱- «وَأَنزَلْنَا الْمُحْرِمِينَ يُوقِنُونَ فَفَرَّقْنَاهُمْ أَزْوَاجًا سَرَابِلُهُمْ مِنْ فَطْرَانٍ وَتَغَشَّىٰ وُجُوهُهُمْ النَّارُ»^{۱۶}

«در آنروز بدکاران را زیر زنجیر قهر الهی در حالی که پیراهنهائی از مس گداخته بر تن دارند و شعله های آتش چهره های آنها را فرا گرفته است مشاهده خواهی کرد».

۲- «إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي مَقَامٍ أَمِينٍ فِي جَنَّاتٍ وَعُيُونٍ يَلْبَسُونَ مِنْ سُنْدُسٍ وَأِسْتَبْرَقٍ مُتَقَابِلِينَ»^{۱۷}

افراد با تقوا در منزلت و مقام امن الهی جا گرفته و در باغهای بهشتی و چشمه ها و نهرها آرمیده و بر تن لباسهائی از سندس و استبرق حریر بهشتی نازک و ضخیم پوشیده و روبروی هم بر تختهای بهشتی تکیه زده اند.

۳- «يُحَلِّتُونَ فِيهَا مِنْ أَسَاوِرَ مِنْ ذَهَبٍ لَوْلُؤًا وَلِيَأْمَنَهُمْ فِيهَا حَرِيرٌ»^{۱۸}

بهشتیان با زر و گوهرهائی که از آن بوجود می آید بدنهای خود را می آرایند و جامه هائی از حریر بهشتی بر تن دارند.

۴- «مُنَكِّبِينَ عَلَىٰ فُرُشٍ بَطَائِنُهَا مِنْ إِسْتَبْرَقٍ وَجَنَىٰ الْجَنَّةِ دَانٌ»^{۱۹}

بهشتیان بر بسترهائی که حریر و استبرق در داخل آنها قرار دارد تکیه زده اند و میوه های درختانش در اختیار آنها است.

د- آیاتی که از لذتهای جسمانی از قبیل خوردن و نوشیدن سخن می گوید:

از قبیل:



۱- «إِنَّ شَجَرَةَ الزُّوْمِ طَعَامُ الْإِنْسِمْ كَالْمُهْلِ
بَغْلَى فِي الْبَطْنِ كَعَلَى الْخَمِيمِ».^{۲۰}

«درخت «زقوم» قوت و غذای بدکاران است و آن غذا در شکمهایشان مانند مسی که در آتش گداخته شود مثل آب جوشان می جوشد».

۲- «إِنَّا أَعْتَدْنَا لِلظَّالِمِينَ نَارًا أَحَاطَ بِهِمْ سُرَادِقُهَا وَإِنْ يَسْتَعِينُوا يَأْتُوا بِمَاءٍ كَالْمُهْلِ يَشْوِي الْوُجُوهَ بِئْسَ الشَّرَابُ وَسَاءَتْ مُرْتَفَقًا».^{۲۱}

ما برای ستمکاران آتشی را مهیا کرده ایم که شعله های فراگیر آن مانند خیمه های بزرگ اطراف آنها را احاطه کند و اگر از شدت عطش شربت آبی درخواست کنند آبی مانند مس گداخته سوزان بآنها می دهند که صورتهای آنها را می سوزاند و آن آب بسیار بد و آندوزخ نیز آسایشگاه بسیار بدی است.

۳- «وَسُقُوا مَاءً حَمِيمًا فَقَطَّعَ أَعْيَاءَهُمْ».^{۲۲}

«کسانی که در عذاب آتش مخلد می باشند آب جوشان می نوشند و اندرونشان را پاره پاره می گردانند».

۴- «يُسْفُونَ مِنْ رَحِيقٍ مَخْتُمٍ جَنَافُهُ مِنْكَ وَفِي ذَلِكَ فَلْيَتَنَبَّأْ مِنَ الْمُشَافِقِينَ وَمِرَاجُ مِنْ تَنْبِيحٍ مِحْبًا يَنْفَرُ بِهَا الْمُقَرَّبُونَ».^{۲۳}

نیکوکاران از شراب ناب سر بسپهر، سبیراب می گردند که آنرا با مشک مهر کرده اند خردمندان برای این نعمت و منزلت ابدی با شوق و رغبت بکوشند، ترکیب و ساختمان آن شراب ناب از عالم بالا است سر چشمه ای که مقربان درگاه حضرت حق از آن می نوشند.

۵- «وَإِنَّ لِلْمُتَّقِينَ لَحُشْنَ قَابِ جَنَاتٍ حُدْنَ مُفْتَحَةً لَهُمُ الْأَبْوَابُ مُشَكِّينَ فِيهَا يَدْعُونَ فِيهَا بِمَاءٍ كَيْفَهُ كَثِيرَةً وَشَرَابٍ».^{۲۴}

برای افراد باتقوا منزلگاه نیکو در باغهای بهشت جاویدان که در هایش بروی آنان باز است مقرر شده است و آنها در آنجا بر تختها تکیه زده و نوشیدنیها و میوه های بسیار میطلبند.

۶- «يَدْعُونَ فِيهَا بِكُلِّ فَاكِهَةٍ آمِنِينَ».^{۲۵}

در بهشت برای متقیان از هر نوع میوه که بخواهند حاضر و از هر درد و رنج آسوده و ایمن می باشند.

ه آیهائی که دلالت بر گواهی دادن اعضای بدن مانند دست و پا چشم و گوش و زبان در باره اعمال انسانها دارند.

از قبیل:

۱- «يَوْمَ نَشْهَدُ عَلَيْهِمْ أَلْسِنَتُهُمْ وَأَيْدِيهِمْ وَأَرْجُلُهُمْ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ».^{۲۶}

روزی که زبانها و دستها و پاها بر اعمال آنها گواهی خواهد داد.

۲- «الْيَوْمَ نَخْتُمُ عَلَىٰ أَفْوَاهِهِمْ وَتُكَلِّمُنَا أَيْدِيهِمْ وَنَشْهَدُ أَرْجُلُهُمْ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ».^{۲۷}

امروز بر دهان کافران مهر خاموشی می زنیم و دستهای آنها با ما حرف می زند و پاهای آنها به آنچه که انجام داده اند گواهی می دهد.

۳- «وَيَوْمَ نَحْشُرُ أَعْدَاءُ اللَّهِ إِلَى النَّارِ فَهُمْ يُوزَعُونَ حَسْبُ إِذَا مَا جَاؤَهَا شَهِدَ عَلَيْهِمْ سَمْعُهُمْ وَأَبْصَارُهُمْ وَجُلُودُهُمْ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ وَقَالُوا لَوْلَا جِئْنَا بِشَهِيدٍ لَنَا عَلَيْنَا قَالُوا أَنْظِقْنَا اللَّهُ الَّذِي أَنْظَقَ كُلَّ شَيْءٍ».^{۲۸}

روزی که دشمنان خدا بسوی آتش دوزخ کشیده می شوند و جلو آنها را در یک نقطه برای اینکه همه یکجا جمع شوند می گیرند تا هنگامی که به جهنم میرسند گوشها و چشمها و پوست بدنهای آنها به آنچه که عمل کرده اند گواهی میدهد در این حال آنها به پوست بدنهای خود می گویند: شما

چرا علیه ما شهادت دادید؟

آنها در پاسخ میگویند:

ما را آنخدائی که همه چیز را به نطق آورده است گویا کرده و به نطق در آورده است.

این است نمونه ای از آیات قرآن مجید در رابطه با مسأله مورد بحث، چنانکه ملاحظه می کنید مفاد این آیات جز با جنبه «جسمانی بودن معاد» قابل تصور و تحقق نیست.

ادامه دارد

۱- گوهر مراد ص ۴۵۰.

۲- کفایة الموحدين ج ۳ ص ۷۱.

۳- رسالۀ اعتقادات صدوق ص ۴۵.

۴- رسالۀ اعتقادات مجلسی ص ۸۲.

۵- تفسیر المیزان ج ۱۳ ص ۲۲۵.

۶- سوره آل عمران آیه ۱۰۶-۱۰۷.

۷- سوره خمس آیه ۳۷-۴۱.

۸- سوره اسراء آیه ۹۷.

۹- سوره یونس آیه ۲۷.

۱۰- سوره توبه آیه ۳۴-۳۵.

۱۱- سوره قمر آیه ۴۷-۴۸.

۱۲- سوره مؤمنون آیه ۱۰۱-۱۰۴.

۱۳- سوره نساء آیه ۵۶.

۱۴- سوره یونس آیه ۲۶.

۱۵- سوره مطلقین آیه ۲۲-۲۴.

۱۶- سوره ابراهیم آیه ۴۹-۵۰.

۱۷- سوره دخان آیه ۵۲-۵۳.

۱۸- سوره حج آیه ۲۳.

۱۹- سوره الرحمن آیه ۵۴.

۲۰- سوره دخان آیه ۴۵-۴۶.

۲۱- سوره کهف آیه ۲۹.

۲۲- سوره محمد آیه ۱۵.

۲۳- سوره مطلقین آیه ۲۵-۲۸.

۲۴- سوره ص آیه ۴۸-۵۱.

۲۵- سوره دخان آیه ۵۵.

۲۶- سوره نور آیه ۲۴.

۲۷- سوره پس آیه ۶۵.

۲۸- سوره سجد آیه ۱۹-۲۱.